



یکی از صفات بارز علی (ع) زهد و ساده زیستی آن حضرت است. البته زهد به معنای واقعی آن، یعنی دل نبستن به مظاهر دنیا نه کناره گیری از آن. حضرت به قدری به امور دنیوی بی اعتنا بود و ساده و بدون تشریفات زندگی می کرد که نهایتاً نشانه ساده زیستی را از رسول خدا (ص) دریافت نمود و پیامبر (ص) او را «ابوتراب» نامید و این برای حضرتش افتخاری است بس بزرگ. گویند ابوتراب محبوبترین کنیه برای امیرالمؤمنین (ع) بود و هرگاه وی را بدین کنیه می خواندند خوشنود و شادمان می گشت. (۱) داستان مکتبی شدن حضرت به ابوتراب را عمار یاسر - رضوان الله علیه - این گونه نقل می کند:

من و علی بن ابی طالب در جنگ عشیره با هم بودیم، هنگامی که رسول خدا (ص) در آنجا فرود آمد و موضع گرفت، گروهی از طایفه بنی مدلیج را دیدیم که در چشمه و نخلستان خود مشغول کارند. علی بن ابی طالب به من گفت: ای ابوالیقظان می آیی نزد این قوم برویم و ببینیم چگونه کار می کنند؟ گفتم: اگر بخواهی می رویم. پس نزد آنان رفتیم و ساعتی کارهایشان را تماشا نمودیم، آن گاه خوابان گرفت، رفتیم در بین نخلهای کوچک روی خاکهای نرم خوابیدیم. به خدا سوگند کسی ما را بیدار نکرد جز رسول خدا (ص) او با پاهایش ما را حرکت می داد (ما از خواب بیدار شدیم) در حالی که خاک آلود بودیم. در آن روز رسول خدا (ص) چون علی بن ابی طالب را خاک آلود دید، به او گفت: «مالک یا اباتراب؟» تو را چه شده ای ابوتراب؟ (که تو چنین خاک آلود شده ای؟). سپس فرمود: آیا شما را آگاه نکنم از دو نفر که بدبخت ترین مردم اند؟ گفتیم: آری، ای رسول خدا. فرمود: یکی مردک سرخ روی قوم ثمود که ناقه (صالح) را پی کرد و دیگر آن که به اینجای تو ضربت می زند - و دستش را بر پیشانی علی گذاشت - آن گاه محاسن علی را گرفت و گفت: تا اینکه این از خون آن تر شود. (۲)

### تحریف تاریخ و جنایت امویان

دودمان بنی امیه که با طمع و آمال پلید و آرمانهای شیطانی و در پرده نفاق داخل جمع مسلمانان شده بودند، برای آنکه بتوانند خاندان بنی هاشم و فرزندان ابوطالب بویژه امیرالمؤمنین (ع) و فرزندان او را از صحنه خلافت خارج کنند، دست به کاری بس ننگین و خائثانه زدند که عبارت بود از افترا بستن به علویان، خصوصاً علی (ع) و جعل فضایل و مناقب برای دیگران. متفکر بزرگ اهل سنت ابن ابی الحدید معتزلی گوید:

## کنیه «ابوتراب» افتخار امیرالمؤمنین (ع)

### اشاره

مقاله پیش رو در شماره گذشته متأسفانه با جابجایی ها و درهم ریختگی هایی در صفحات به چاپ رسیده بود تا جائیکه استفاده از مقاله مزبور میسر نبود. ضمن پوزش از نویسنده محترم مقاله و خوانندگان گرامی یکبار دیگر این مقاله را با اصلاحات لازم حضور خوانندگان گرامی تقدیم می کنیم.

- ۱- تهذیب الاسماء واللغات، محیی الدین نووی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۱، ص ۳۴۴، ذخائرالعقبی، مسحب الدین طبری، دارالمعرفه، بیروت، ص ۱۵۷، الأئمه الاثنی عشر، ابن طولون، تحقیق صلاح الدین منجد، منشورات رضی، قم، ص ۴۷، محاضرة الاوائل، علاء الدین سکتواری بسنوی، دارالکتب العربی، بیروت، ص ۸۱، نورالابصار، مؤمن شلنجی، دارالجیل، بیروت، ص ۱۶۳.
- ۲- سیره ابن هشام، تحقیق گروهی از فضلا، بیروت، ج ۲، ص ۲۴۹، مستند احمد حنبل، دارالفکر، بیروت، ج ۴، ص ۱۶۳.
- ۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، ج ۴، ص ۶۳.
- ۴- البقره؛ ۲: ۲۴-۲۵.
- ۵- البقره؛ ۲: ۲۰۷.
- ۶- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۷۳، معاویه و تاریخ (ترجمه النصائح الکافیة) محمد بن عقیل حضرمی، ترجمه عطاردی، انتشارات مرتضوی، تهران ص ۱۰۲.
- ۷- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۷۳.
- ۸- معاویه سالی را که کار جنگ با امام حسن (ع) به مبارزه و صلح انجامید - به زعم باطل خود - به عنوان اینکه مسلمانان در این سال متحد شدند «عام الجماعه» نامید.
- ۹- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۴۴-۴۶، باتلخیص.
- ۱۰- همان، ص ۴۳.
- ۱۱- صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، ج ۱، ص ۱۱۴، صحیح مسلم، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، دارالحدیث، قاهره، ج ۴، ص ۱۸۷۴-۱۸۷۵، تاریخ الخلفاء، سیوطی، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، ص ۱۶۷.

سیدعلی میرشریفی



- ۱۱- سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۵۰؛ سیره حلینی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲، ص ۱۲۷.
- ۱۳- مناقب، ابن شهر آشوب، کتابفروشی علامه، قم، ج ۲، ص ۱۱۵.
- ۱۴- مناقب، ابن مغزالی، به کوشش محمدباقر بهبودی، اسلامیه، تهران، ص ۹۰، مقتل الحسین، خوارزمی، داوری، قم، ج ۱، ص ۱۰۸؛ کفایة الطالب، کنجی شافعی، به کوشش محمدهادی امینی، دار احیاء تراث اهل بیت، تهران، ص ۳۱۷.
- ۱۵- مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۶؛ الذریة الطاهرة، دولابی، تحقیق سید محمدجواد حسینی جلالی، انتشارات اسلامی، ص ۹۳؛ کشف القمه، اربلسی، بیروت، ج ۱، ص ۱۵۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفا، بیروت، ج ۴۳، ص ۱۳۶.
- ۱۶- مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۶۰؛ فراتدالسمطین، جویبی، به کوشش محمدباقر محمودی، بیروت، ج ۲، ص ۶۸.
- ۱۷- مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۶؛ الذریة الطاهرة، ص ۹۳؛ ذخائر العقبی، ص ۷۸؛ الریاض النضرة، محب الدین طبری، بیروت، ج ۳-۴، ص ۱۴۱؛ فراتدالسمطین، ج ۱، ص ۹۲؛ بحار الانوار، ص ۱۸- کشف الیقین، علامه حلینی، به کوشش حسین درگاهی، وزارت ارشاد، تهران، ص ۱۱۴ و ۱۱۷.
- ۱۹- احزاب، ۳۳: ۳۳.
- ۲۰- رک: سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۴۹؛ طبقات ابن سعد، بیروت، ج ۲، ص ۱۱۰؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۲۶۳؛ انساب الاشراف بلاذری، به



شیخ ما ابو جعفر اسکافی - رحمة الله علیه - گفته است: معاویه گروهی از صحابه و تابعین را گمارد تا اخبار زشتی را درباره علی که موجب طعن او و برائت از وی می شود روایت کنند. و برای آنان پاداش کلانی معین کرد که هر کسی بدان تمایل پیدا می کرد! پس آنچه را می خواست ساختند! از آنهاست ابوهیره و عمرو بن عاص و مغیره بن شعبه و از تابعین عروة بن زبیر. (۳)

و نیز ابو جعفر اسکافی گوید:

معاویه یکصد هزار درهم به سمرة بن جندب داد تا اینکه روایتی جعل کند که آیه «ومن الناس من يعجبك قوله في الحياة الدنيا ويشهد الله على ما في قلبه وهو الد الخصام»\* و إذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل و الله لا یحب الفساد» (۴) درباره علی (ع) نازل شده است! و آیه: «ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله» (۵) در مورد ابن ملجم نازل شده! سمرة نپذیرفت، پس دوست هزار درهم داد نپذیرفت، سیصد هزار درهم داد نپذیرفت، چهارصد هزار درهم داد، آن گاه پذیرفت و آن را روایت کرد! (۶)

و نیز گفته:

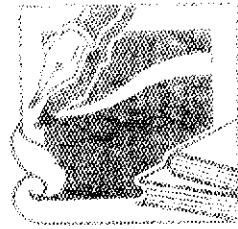
تحقیقاً این مطلب صحیح است که بنی امیه از اظهار فضایل علی (ع) ممانعت می کردند و راوی آن را مجازات می نمودند. کار به جایی رسید که اگر کسی از او حدیث نقل می کرد که اصلاً ربطی به فضایل وی نداشت، بلکه مربوط به احکام دین بود (با این حال) جرأت نداشت نام او را ذکر کند، پس (به کنایه) می گفت: عن ابی زینب. (۷)

مورخ کبیر اهل سنت ابوالحسن مدائنی گوید: معاویه پس از عام الجماعه (۸) بخشنامه واحدی به کارگزاران خود (بدین شرح) نوشت: «از ذمه من بری است کسی که درباره ابوتراب و اهل بیت وی فضیلتی نقل کند.» از آن پس خطبا در هر شهر و بر سر هر منبری علی را سب می کردند و از او تبری می جستند و درباره او و اهل بیتش عیججوی می نمودند.

بدین ترتیب احادیث ساختگی و بهتان شایع شد تا اینکه این اخبار دروغین به دست متدینان، که دروغ و بهتان را حلال نمی شمردند، رسید. آنان نیز این اخبار را پذیرفتند و نقل کردند، این در حالی بود که گمان می نمودند این اخبار صحیح است و اگر می دانستند که آنها دروغ است هیچ گاه آنها را روایت نمی کردند و بدانها معتقد نمی شدند. (۹)

امام باقر (ع) برای یکی از یاران خود موقعیت شیعیان را در آن دوران بیان نموده و در ضمن آن فرموده است:

ما اهل بیت همیشه مظلوم و ضعیف بودیم و



کوشش محمدباقر محمودی،  
اعلمی، بیروت، ج ۱،  
ص ۸۹؛ خصائص نسایی، به  
کوشش محمدباقر محمودی،  
بیروت، ص ۲۸۰؛ مشکل  
الانار طحاوی، ج ۱،  
ص ۳۵۱؛ تاریخ طبری،  
اعلمی، بیروت، ج ۲،  
ص ۱۲۳؛ مستدرک حاکم،  
دارالمعرفه، بیروت، ج ۳،  
ص ۱۰۳؛ دلائل النبوه،  
ابونعیم اصفهانی، تحقیق  
محمد رواں قلمچی - عبد  
البرعیاس، بیروت،  
ص ۵۵۲؛ دلائل النبوه،  
بیهقی، تحقیق عبدالمعطی  
قلمچی، دارالکتب العلمیه،  
بیروت، ج ۳، ص ۱۱۲؛  
شواهد التزیل، حسکانی، به  
کوشش محمدباقر محمودی،  
وزارت ارشاد، تهران، ج ۲،  
ص ۴۴۱؛ مناقب، ابن  
مفازلی، ص ۹؛ فرائد  
السمطین، جوینی، به کوشش  
محمدباقر محمودی، بیروت،  
ج ۱، ص ۳۸۴؛ سیره ابن  
سیدالناس، دارالحضاره،  
بیروت، ج ۱، ص ۳۰۰؛  
تاریخ الاسلام، ذهبی  
(المغازی) تحقیق  
عمر عبدالسلام تدمری،  
دارالکتب العربی، بیروت،  
ص ۴۷؛ سیره ابن کثیر،  
تحقیق مصطفی عبدالواحد،  
بیروت، ج ۲، ص ۳۶۳؛ مجمع  
الزوائد هبشی، بیروت، ج ۹،  
ص ۱۳۶؛ امتاع الاسماع،  
مقریزی، تحقیق محمود محمد  
شاکر، قاهره، ص ۵۵؛ تاریخ  
الخمیس، بیروت، ج ۲،  
ص ۳۶۴؛ کنز العمال،  
مؤسسه الرساله، بیروت،  
ج ۱۵، ص ۱۱۳؛ سیره  
حلبی، ج ۲، ص ۱۱۲۶؛  
بحار الانوار، ج ۱۹،  
ص ۱۸۸؛ الفدیدر، ج ۶،  
ص ۳۳۳.  
۲۱- رک: تبیان، شیخ  
طوسی، به کوشش احمد  
حبیب قصیر، بیروت، ج ۸،  
ص ۳۴۰؛ مجمع البیان،  
طبری، اسلامیه، تهران،  
ج ۸-۷، ص ۳۵۷. و نیز  
بنگرید به: فصول المختاره،  
شیخ مفید (ضمن مجموعه  
مصنفات شیخ مفید) ص ۸۸.

ترد می شدیم و محروم بودیم و کشته  
می گشتیم، امنیت نداشتیم و برجان خود و  
دوستانمان بیمناک بودیم؛ و حال آنکه معاندان و  
دروغ پردازان در هر شهری به سبب دروغگویی و  
عنادشان مقرب دوستان خود و قضات و کارگزاران  
فاسد بودند، برای آنان احادیث ساختگی نقل  
می کردند. و برای آنکه ما را از چشم مردم بیندازند  
چیزهای دروغی را از قول ما روایت می کردند که  
هرگز ما آن را نگفته و انجام نداده بودیم! بیشتر این  
کار و معظم آن در زمان معاویه، پس از رحلت  
[امام] حسن (ع) رخ داد. شیعیان ما در هر شهری  
کشته شدند و به اتهام تشیع دست و پای آنان قطع  
شد و کسی که گفته می شد ما را دوست دارد و از  
دوستان ماست حبس می شد و یا اموالش به غارت  
می رفت یا آنکه خانه اش ویران می گشت. (۱۰)

یکی از دهها دروغ و افتزایی که علیه دودمان بنی هاشم  
و ابوطالب (ع) گفتند داستانی مکتبی شدن علی (ع) به  
«ابوتراب» است، شأن صدور و تاریخچه کتبه ابوتراب  
همان بود که از عمار یاسر نقل شد، لیکن آن را وارونه  
جلوه داده و نسبت به امیرالمؤمنین (ع) و حضرت  
فاطمه (س) اسائه ادب نموده و چنین گفتند:

روزی رسول خدا (ص) به خانه فاطمه آمد،  
علی را در خانه نیافت، از فاطمه پرسید: پسر  
عمویت کجاست؟ گفت: بین ما نزاعی بود بر من  
خشمگین شد، لذا نزد من نماند و از خانه بیرون  
رفت. رسول خدا (ص) به شخصی فرمود: بین او  
کجاست. آن شخص (رفت سپس) آمد و گفت:  
ای رسول خدا (ص) او در مسجد خوابیده است.  
رسول خدا (ص) به مسجد آمد، دید علی خوابیده،  
در حالی که ردای وی از دوشش افتاده و خاک آلود  
شده است. رسول خدا (ص) شروع کرد به تکاندن  
خاکهای او و می فرمود: برخیز ای ابوتراب! برخیز  
ای ابوتراب! (۱۱)  
و نیز گفته اند:

روش علی این بود که هر گاه در مورد چیزی  
نسبت به فاطمه خشمگین می گشت با او سخن  
نمی گفت و او را ناراحت نمی کرد، جز آنکه  
قدری خاک روی سر خود می ریخت! رسول  
خدا (ص) نیز هر گاه می دید خاک بر سر علی است  
می دانست که نسبت به فاطمه خشمگین  
است! (۱۲)

### نقد و بررسی این روایات

کسی که اندک اطلاعی از سیره نیکو و زندگانی سراسر  
افتخار امیرالمؤمنین (ع) دارد می داند که شأن و مقام و  
منزلت حضرت اجل و اقدس از آن است که پاره تن



رسول خدا (ص) و یگانه فرزند دلیند وی را بیسازارد،  
امیرالمؤمنین (ع) همان ابرمرد صبر و بردباری است که  
حتی نسبت به مجسمه شریک، یعنی عمرو بن عبدود غضب  
نکرد، زمانی که حضرت روی سینه عمرو نشست تا سر  
وی را از تن جدا کند. عمرو آب دهان به صورت مبارک  
حضرت انداخت و به او دشنام داد و حضرت را ناراحت  
کرد، لیکن علی (ع) در آن حال سر عمرو را نبرید و بر او  
غضب نکرد، بلکه صبر نمود تا شعله خشمش  
فرونشست، سپس سر عمرو را از بدنش جدا کرد. (۱۳)  
همان گونه که در صدر مقاله گفته شد علی (ع) متخلق به  
اخلاق رسول خدا (ص) بود به طوری که پیامبر (ص) به او  
فرمود: «خلقت أنا و أنت من شجرة أنا أصلها و أنت  
فرعها» (۱۴) من و تو از یک درخت آفریده شدیم، من ریشه  
آنم و تو شاخه آن هستی. و در مورد شکیبایی و بردباری او  
فرمود: «علی خیر امتی، أعلمهم علماً و أفضلهم  
حلماً» (۱۵) علی بهترین امت من است، از نظر دانش از  
همه داناتر و از جهت بردباری از همه برتر است. و  
فرمود: «لو كان الحلم رجلاً لكان علیاً» (۱۶) اگر شکیبایی  
به شکل مردی درمی آمد هر آینه آن مرد علی بود. و به  
فاطمه (س) فرمود: «انّی زوجتک أقدم امتی سلماً و  
أکثرهم علماً و أعظمهم حلماً» (۱۷) تو را به کسی تزویج  
نمودم که از همه اتم زودتر اسلام آورد و دانش وی از همه  
بیشتر و صبر او از همه عظیم تر است.  
علامه حلی - رحمه الله علیه - فرموده است: «بین عقلا



- ۲۲- الرياض النضرة، ج ۳-۲ ص ۱۰۹؛ ذخائر العقبی، ص ۶۵؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۲؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۲۲.
- ۲۳- مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۳۲؛ کشف الغممة، اربلی، بیروت، ج ۲، ص ۹۲-۹۳؛ فصول المهمه، ابن صباغ، اعلی، تهران، ص ۱۱۴۶؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۴.
- ۲۴- کشف الغممة، ج ۲، ص ۹۳؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۴۴؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۴؛ ینابیع المودة، قندوزی، بصیرتی، قم، ص ۱۷۳.
- ۲۵- مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۴؛ مناقب، ابن مغزالی، ص ۳۵۱؛ ذخائر العقبی، ص ۳۹.
- ۲۶- مغازی، وانادی، تحقیق مارسدن جونس، اعلی، بیروت، ج ۱، ص ۱۲؛ سیره ابن سید الناس، ج ۱، ص ۳۰۰؛ امتاع الاسماع، ص ۵۴.
- ۲۷- رک: سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۵۷؛ الدرر فی اختصار المغازی و السیر، ابن عبدالبر اندلسی، به کوشش مصطفی ذیب البغا، بیروت، ص ۱۰۱؛ امتاع الاسماع، ص ۶۱-۶۲. سید حیدر حلی -رحمة الله علیه- گوید: هنگامی که علی(ع) به دنیا آمد رسول خدا(ص) او را «ابوتراب» نامید. رک: کشکول، سید حیدر حلی، منشورات رضی، قم، ص ۴۸. در مورد تاریخ عروسی حضرت فاطمه(س) رک: ذخائر العقبی، ص ۲۷.
- ۲۸- اعلام الوری، طبرسی، دارالکتب اسلامیة، تهران، ص ۱۵۴.
- ۲۹- مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۱۲. گـ ویند: روزی

همسرش فاطمه(ع) نزاعی داشت قدری خاک بر سر خود می ریخت! همین مطلب زشت و سست دلیل بر ساختگی بودن این ماجراست. آیا چنین امری از یک انسان عاقل سرمی زند؟ تا چه رسد به خاتم اوصیا و انسان کامل و الگو و اسوه نظام بشریت!

۴- پیامبر(ص) کنیه ابوتراب را زمانی به علی(ع) عطا کرد که هنوز فاطمه(س) ازدواج نکرده بود، چرا که غزوه عسیره در ماه جمادی الآخر که شانزده ماه از هجرت گذشته بود رخ داد(۲۶) و حال آنکه عروسی حضرت علی با فاطمه(س) پس از جنگ بدر بود، و جنگ بدر بعد از جنگ عسیره بود. (۲۷) پس قبل از اینکه علی(ع) با فاطمه(س) ازدواج کند، به ابوتراب معروف بوده است.

۵- امین الاسلام طبرسی گوید: «پیامبر(ص) کنیه ابوتراب را به علی داد و آن بدین گونه بود که روزی رسول خدا(ص) دید علی(ع) خود را روی خاک انداخته و در حال سجده است، در این هنگام او را ابوتراب نامید.» (۲۸)

۶- رسول خدا(ص) بارها می فرمود: «ما هنگامی که بخواهیم علی را ستایش کنیم به او ابوتراب می گویم» (۲۹) حال اگر شأن صدور کنیه آن باشد که دشمنان آن حضرت می گویند، آیا با مدح و ستایش و تحسین سازگار است؟

۷- زفاف حضرت زهرا(س) که تمام شد فرمایش رسول خدا(ص) برای دیدار وی به منزل علی(ع) آمد، آن گاه از علی(ع) پرسید: «همسرت را چگونه یافتی؟» گفت: «یاور خوبی است در طاعت خدا» از فاطمه(س) پرسید: «شوهرت چگونه است؟» گفت: «شوهر بسیار خوبی است.» در این هنگام رسول خدا(ص) برای آنان دعا کرد: «بارخدا یا جمعشان را پراکنده مکن و بین دلهایشان الفت بیفکن و ...» (۳۰) روشن است که دعای پیامبر(ص) مستجاب است.

۸- امام صادق(ع) فرمود: «خداوند تبارک و تعالی به پیامبرش وحی نمود که به فاطمه بگو از دستورات علی سر باز مزن، زیرا که اگر او خشمناک شود من نیز به سبب خشم وی خشمناک می شوم.» (۳۱) با توجه به اینکه حضرت زهرا معصوم است امکان ندارد از فرمان خدا و رسول وی سرپیچی نماید.

۹- حضرت فاطمه(س) در حال احتضار امیرالمؤمنین را خواست تا به او وصیت کند، قبل از وصیت گفت: «ای پسر عمو، من هیچ گاه به تو دروغ نگفتم و خیانت نمودم و از زمانی که با من زندگی کردی با تو مخالفت نکردم. علی(ع) فرمود: پناه به خدا می برم! تو داناترین شخص نسبت به خدایی، و پرهیزگارترین و بزرگوارترین و خدا ترس ترین مردم هستی، جدایی از تو و از دست دادنت بر من بسیار دشوار است، اما چه می توان کرد این امری است که گریزی از آن نیست ...» (۳۲) می بینیم که هر دو

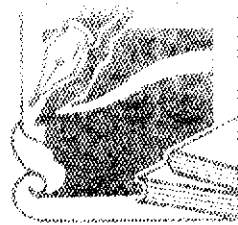


اختلافی نیست در اینکه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) از نظر اخلاق شریف ترین و نیز از نظر بردباری صبورترین مردم است. (۱۸) و در یک کلام حضرت امیر(ع) به نص آیه تطهیر (۱۹) از هرگونه زشتی و پلیدی و سوء خلق منزّه است. اینک دلایل و شواهدی که این ماجرای ساختگی را مردود می داند در پی می آوریم:

۱- روایت صحیح و معتبر درباره کنیه حضرت علی(ع) به ابوتراب همان روایت عمار یاسر است، روایت عمار در اکثر جوامع روایی و منابع تاریخی آمده است. (۲۰)

۲- حضرت علی و فاطمه(ع) بنا بر تصریح قرآن معصوم اند و علمای امامیه اجماع بر این مطلب دارند. (۲۱) این گونه امور با مقام عصمت سازگار نیست، زیرا پیامبر(ص) درباره علی(ع) فرمود: «من أبغض علیاً فقد أبغضنی و من آذی علیاً فقد آذنی و من آذنی فقد آذی الله عزوجل.» (۲۲) و در مورد حضرت زهرا(س) فرمود: «فمن آذاها فقد آذانی و من آذنی فقد آذی الله.» (۲۳) و نیز فرمود: «إن الله لیغضب لغضب فاطمة» (۲۴) و خطاب به حضرت فرمود: «یا فاطمة إن الله لیغضب لغضبك.» (۲۵) بدیهی است که اذیت کردن پیامبر(ص) و آزردهن خداوند از گناهان کبیره است و به هیچ وجه با مقام عصمت سازگار نیست.

۳- همان طور که گذشت در برخی از روایات ساختگی آمده است، سیره علی(ع) این بود که هرگاه با



رسول خدا(ص) در نخلستانهای مدینه دنبال علی(ع) می گشت تا اینکه رسید به باغی و دید علی(ع) مشغول کار است و گرد و غبار سروروی او را گرفته است، خطاب به او فرمود: مردم را سوزش نمی کنم در اینکه به تو ابوتراب بگویند. رك: علل الشرایع، شیخ صدوق، دارالبلاغه، بیروت، ص ۱۵۷؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۱۱. ۳۰- مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۵۶؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷. ۳۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۰۶-۱۰۷. ۳۲- روضة الواعظین، فتال نیشابوری، منشورات رضی، قم، ص ۱۵۱؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۱. ۳۳- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۱. ۳۴- علل الشرایع، ص ۱۵۶؛ معانی الاخبار، شیخ صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی، قم، ص ۱۲۰؛ بشارة المصطفی، طبری، نجف، ص ۹. و آیه در سوره نبا: ۷۸: ۴۰. ۳۵- مناقب، خوارزمی، به کوشش مالک محمودی، انتشارات اسلامی، قم، ص ۳۵۳؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۴۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۳. ۳۶- مناقب، خوارزمی، ص ۳۵۳؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴. ۳۷- مناقب، ابن مغزالی، ص ۳۴۲، مناقب، خوارزمی، ص ۲۴۶؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۶-۳۴۷؛ ذخائر العقبی، ص ۳۱-۳۲. ۳۸- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۰۷. ۳۹- مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۱۰. ۴۰- علل الشرایع، ص ۱۵۶؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۷. و روایت عبایه بن ربیع در ذیل شماره ۱۱ گذشت.

بزرگوار تصریح می کنند که یکدیگر را خشمگین و ناراحت نکرده اند.

۱۰- رسول خدا(ص) به فاطمه(س) فرمود: «ای فاطمه، همانا علی نزد خداوند بزرگوارتر از هارون است، زیرا هارون موسی را خشمگین نمود، و حال آنکه علی هیچ گاه مرا خشمگین نساخت. سوگند به آنکه پدرت را به حق به پیامبری مبعوث کرد هرگز یک روز هم بر او غضب نکردم، و هیچ گاه نگاه ننمودم به چهره علی جز آنکه خشم از من رخت بربست». (۳۳) روشن است، طبق اخباری که فریقین - شیعه و سنی - نقل کرده اند اگر علی(ع) فاطمه(س) را به خشم می آورد رسول خدا(ص) را خشمگین ساخته بود.

۱۱- شیخ صدوق به سند خود از عبایه بن ربیع نقل کرده که او گفت:

از عبدالله بن عباس پرسیدم چرا رسول خدا(ص) علی(ع) را ابوتراب نامید؟ گفت: چون که علی پس از رسول خدا(ص) صاحب زمین و حجت خدا بر اهل آن است و بقا و آرامش زمین به واسطه اوست. همانا از رسول خدا(ص) شنیدم می فرمود: هنگامی که روز قیامت فرارسد و شخص کافر ببیند آنچه را خداوند تبارک و تعالی، از پاداش و منزلت و کرامت که بر شیعه علی مهیا نموده است، گوید: ای کاش خاک بودم، یعنی ای کاش شیعه علی بودم. و این همان گفتار خداوند عزوجل است که می فرماید: و یقول الکافر یا لیتنی کنت تراباً. (۳۴)

۱۲- بهترین دلیل و قوی ترین برهان که جای هیچ گونه شکر و تردیدی برای بی پایگی ماجرای مذکور نمی گذارد، فرمایش خود علی(ع) است، گویا حضرتش می دید که در آینده این نسبت ناروا را به او خواهند داد، لذا قبل از خود دفاع نمود؛ حضرت در ضمن روایتی طولانی فرمود:

چند روزی که از زفاف ما گذشت رسول خدا(ص) به منزل ما آمد... آن گاه به فاطمه فرمود: دخترم شوهر خوب، شوهرتوست، پس از دستورات وی سرپیچی مکن... سپس به من گفت: ای علی به همسرت نیکی نما و با وی به مهربانی رفتار کن، چون که فاطمه پاره تن من است، می رنجاندم آنچه او را برنجاند و شادمانم می کند آنچه او را شاد نماید؛ شما را به خدا می سپارم. (۳۵)

علی(ع) فرمود: «فَوَاللَّهِ مَا أَغْضَبْتَهَا وَلَا أَكْرَهْتَهَا عَلَيَّ أَمْرٌ حَتَّى قَبِضَهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ؛ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصْتُ لِي أَمْرًا، وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتُكْشِفُ عَنِّي الْهَمَّ وَالْأَحْزَانَ» (۳۶)

به خدا سوگند هرگز او را به خشم نیاوردم و او را

مجبور به کاری نکردم تا آنکه خداوند عزوجل وی را به سرای دیگر برد؛ و فاطمه نیز هیچ گاه مرا خشمگین نساخت و از فرمانم سرباز نزد. همانا هرگاه به او می نگرستم غم و اندوه از دلم رخت برمی بست.

گفتنی است در بسیاری از مآخذ که حدیث کنیه ابوتراب ذکر شده و شأن صدور آن را در مسجد رسول خدا(ص) دانسته اند ماجرای نزاع و غضب امیرالمؤمنین نیامده است از جمله رجوع شود به: صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۰۸؛ شرح نهج البلاغه ابی ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۲؛ ذخائر العقبی، ص ۵۶-۵۷؛ الریاض النضره، ج ۳-۴، ص ۹۵؛ مرآة الجنان یافعی، ج ۱، ص ۱۰۸؛ فصول المهمه ابن صباغ، ص ۳۹؛ نورالابصار شبلنجی، ص ۱۶۳ و... .

و دهها قرینه و شاهد دیگر که این مختصر ذکر آنها را بر نمی تابد، و اصولاً اگر کسی قدری اطلاع از چگونگی ازدواج حضرت علی و فاطمه(ع) داشته باشد که کابینشان در عرش و با حضور دهها فرشته بسته شد؛ (۳۷) و اینکه اگر علی(ع) نبود کفو و همتایی برای فاطمه پیدا نمی شد؛ (۳۸) و اینکه خداوند به رسول خود فرمود: من راضی شدم و خواستم که علی شوهر فاطمه و فاطمه همسر علی باشد و گویند به همین مناسبت پیامبر(ص) علی(ع) را «مرتضی» لقب داد (۳۹) و... به آسانی در می یابد که ماجرای نزاع آن دو بزرگوار کذبی بیش نیست.

### نظریه دانشمندان شیعه

گروهی از دانشمندان و علمای شیعه بدین روایت که رسیده اند آن را نقد و رد کرده اند، اینک نظر تنی چند از آنان را ذکر می کنیم.

شیخ صدوق - علیه الرحمه - در این مورد گفته است: این خبر نزد من اعتبار ندارد و معتقد نیستم که علت کنیه علی(ع) به ابوتراب این باشد؛ زیرا علی(ع) و فاطمه(س) روششان آن گونه نبود که بین آنها نزاع رخ دهد تا نیاز باشد به رسول خدا(ص) که بین آنان را اصلاح نماید، چون که علی(ع) سید اوصیاست و فاطمه(س) سیده بانوان جهانیان است، آن دو بزرگوار در حسن خلق از رسول خدا(ص) پیروی می کردند، عقیده من درباره کنیه ابوتراب روایت عبایه بن ربیع است... (۴۰)

مرحوم علامه امینی در این مورد گوید:

آن دو بزرگوار - سلام الله علیهما - به سبب عصمتی که خداوند، بنا بر تصریح قرآن، به آنان عطا نموده به دور از این گونه امورند... این اکاذیب چیزی نیست جز زهر کینه گروه کینه توز که می خواهند با این یاهو گویسها قداست امیرالمؤمنین را آلوده و معاشرت پسندیده آن



علی - نعوذبالله - اهلیت زعامت و امامت مسلمانان را نداشته است!

ثانیاً: دشمنان حضرت که شنیده بودند رسول خدا (ص) بارها فرموده بود: «أتما فاطمة بضعة منی، فمن اغضبها فقد اغضبنی» (۴۵) چون خود آنان و اسلافشان حضرت فاطمه را به خشم آورده و او را اذیت و آزار نموده بودند و ... خواستند زشتی این اعمال ننگین را از خود بزدایند و به زعم باطل خود به امیرالمؤمنین (ع) نسبت دهند و بگویند این علی بود که فاطمه را به خشم آورد و او را اذیت نمود و ...!

ثالثاً: چون برخی از همسران پیامبر (ص) از اقوام مخالفان امیرالمؤمنین (ع) بودند و رسول خدا (ص) را بارها آزرده و به خشم آوردند، خواستند با جعل این اکاذیب و انمود کنند که این گونه امور مسأله مهمی نبوده و موجب طعن و نقص آنها نیست، این مسایل یک امر طبیعی است که در هر خانواده ای رخ می دهد، همچنان که دختر خود رسول خدا (ص) نیز از این امر مستثنی نبود و بارها علی را به خشم آورد و بینشان نزاع رخ داد! اما علی رغم آن همه جنایت و تحریف تاریخ، سیمای تابناک علی (ع) به عنوان بزرگترین شخصیت تاریخ همچنان می درخشد.

انا و جمیع من فوق التراب

فدا لقراب نعل ابی تراب

امام مدحه ذکری و دأبی

و قلبی نحوه ماعشت صاب (۴۶)

حضرت با همسر مطهره اش را خدشه دار کنند؛ این گونه اراجیف باعث پایین آوردن صدیق اکبر و صدیقه کبیرا از مقام بلندی که در مکارم اخلاق دارند نمی شود. (۴۱) آری، آنچه دیروز دست حقد و کینه بذرافشانی کرد، امروز به ثمر نشست، به طوری که آن نویسنده امروزی ورقهای کتابش را سیاه کرد و نوشت: علی به مجرد هر امر ناخوشایندی که در خانه می دید، ناراحت می شد و می رفت در مسجد می خوابید؛ آن گاه پدر عیالش (رسول خدا) دست نوازش به شانه او می کشید و وی را موعظه می نمود و بین او و فاطمه را تا مدتی اصلاح می کرد. گویند یک مرتبه پیامبر دخترش را در خانه خود در حالی دید که به سبب سیلی که علی به صورت او زده بود گریه می کرد! (۴۲)

استاد فقید روحانی محقق مرحوم هاشم معروف حسنی لبنانی در نقد این روایت گوید:

بدون شک این روایت ساختگی است و احتمال دارد آن را ابن اسحاق از عروه بن زبیر، که در سیره اش از او بسیار نقل می کند، گرفته باشد و بدیهی است که عروه عمداً بر ضد علی (ع) دروغ می گفت و احیاناً مطالب زشتی درباره علی و فرزندان او نقل می کرد! عروه اکثر روایاتش را از خاله خود عایشه نقل می کند و حال آنکه بر خورد خصمانه عایشه با علی (ع) و فاطمه (س) بر کسی پوشیده نیست. (۴۳)

### علت جعل این افسانه

این دروغ یکی از دهها تهمتی است که به امیرالمؤمنین و اهل بیت او زدند، اکاذیب و اباطیل زشت تر از این نیز جعل کردند و با دستگاه وسیع تبلیغاتی خود در جامعه آن روز پخش نمودند؛ مانند افسانه خواستگاری حضرت امیر (ع) از حویریه دختر ابوجهل (۴۴) و ... همان طور که اشاره شد این گونه یاوگوییها یادگار تلخ دوران به قدرت رسیدن امویان است، آنان برای آنکه علی (ع) و فرزندان او را منزوی کنند و از صحنه خلافت دور نمایند از هیچ تهمت و افتزایی نسبت به اهل بیت (ع) دریغ نورزیدند ... وقاحت و بی شرمی را به جایی رساندند که نخستین مسلمان و یگانه یاور رسول خدا (ص) و جانشین و وصی و داماد او را مستحق سب دانسته و بر سر منابر و در محافل خود ولی الله اعظم را سب می نمودند!

باری، در مورد علت جعل این اکذوبه و افسانه نکات زیر به نظر می رسد:

اولاً: امویان به شدت تلاش می کردند تا از مقام بلند و رفیع امیرالمؤمنین و سیدالوصیین (ع) بکاهند و او را تا سرحد یک انسان عادی پایین بیاورند، تا نهایتاً در عصمت حضرت تردید کرده و آن را انکار کنند و بگویند



مگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
تال جامع علوم انسانی

۴۱- مقصود، امیل درنگام فرانسوی است که این اباطیل را در کتاب سست و بی مایه حیات محمد ص ۱۹۹ آورده است.

۴۲- الفقدیر، ج ۶، ص ۳۳۶، ۳۳۷.

۴۳- سیره الأئمه الاثنی عشر، هاشم معروف حسنی، منشورات رضی، قم، ج ۱، ص ۱۹۳.

۴۴- رك: مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۳۲۶؛ صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱۲؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۰۳؛ ابن ابوداود، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲، ص ۲۲۵-۲۲۶.

۴۵- مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۳۲؛ تنبیه الموده، ص ۱۷۳.

۴۶- مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۱۱۲.